

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره نهم ، شماره سی و سوم ، پاییز ۱۳۹۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۱۲

تاریخ بازنگری نهایی مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۰۳

صفحات: ۳۹ - ۲۵

تحلیل جرم شناختی تجاوز به عنف با تکیه بر جمعیت شناختی قربانیان و بزهکاران آن (مورد مطالعه: شهرستان شاهرود ۹۵ و ۹۶)

محمد همتی^{۱*}

چکیده

یکی از جرایمی که تأثیر زیادی بر امنیت عمومی می‌گذارد جرایم تجاوز جنسی است که چه بسا با یک هتک حرمت بحرانی اجتماعی در جامعه ایجاد شده و دامنه آن به خارج از مرزهای جغرافیایی محل جرم کشیده شود. در سالهای اخیر تحلیل جرایم که جمعیت شناختی بزهکاران و بزه‌دیده‌ها یکی از شاخه‌های آن است اهمیت زیادی در نهادهای انتظامی و قضایی پیدا نموده است و به منظور ارائه پاسخ مناسب به هر مشکلی نیاز است که دید کاملی از آن مساله داشت. در این پژوهش قصد آنست که عوامل مختلفی که در وقوع این جرم اثرگذار است با تاکید بر جرم شناختی قربانیان تجاوز به عنف و مجرمین بررسی گردد. تحقیق از نوع پژوهش تحلیلی توصیفی است. که ضمن استفاده از متون و نظریات با استفاده از تحقیق اینترنتی و کتابخانه‌ای، از طریق کدبندی و طبقه‌بندی نظام‌مند داده‌های مورد بررسی سعی در کشف روابط عوامل با موضوع تحقیق را دارد. در این تحقیق تعداد محدودی پرونده‌های تجاوز به عنف شهرستان شاهرود که در سالهای ۹۵ و ۹۶ به پلیس آگاهی ارجاع شده در بخش جمعیت شناختی مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش به بررسی نظریات موجود با مقادیر آماری حاصل شده از تحلیل کمی پرونده‌ها نیز نگاهی گذرا می‌گردد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد آشنایی قبلی مابین قربانی و متجاوز با وقوع جرم ارتباط داشته است و از هم گسیختگی خانوادگی، ارتباط نامناسب با همسالان، شبکه‌های مجازی، آموزه‌های فرهنگی نامناسب، عدم تربیت مناسب جنسی و حاشیه نشینی از علل و عوامل وقوع این جرایم است.

واژگان کلیدی: تحلیل جرم شناختی، تجاوز به عنف، بزه‌دیده، بزهکار.

بیان مسأله

معضل جرم همواره در طول تاریخ گریبان گیر بشر بوده است. رشد این پدیده طی دهه های اخیر نگرانی های بسیاری را برانگیخته و باعث شده است که خطر این پدیده از سایر معضلاتی مثل شیوع بیماریهای مهلک، آلودگی محیط زیست و نظایر آنها که در دهه ی آخر قرن بیستم گریبان گیر بشر شده است بسیار بیشتر باشد. طبق آمار رسمی سازمان ملل متحد در چند سال گذشته رشد سالانه ی جرم از رشد جمعیت و نیز رشد اقتصادی اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان بیشتر بوده است. نکته ی قابل توجه دیگر این که بیشتر قربانیان جرم را افراد آسیب پذیر، از جمله زنان و کودکان تشکیل می دهند (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲: ۳۹۰)

در سالهای اخیر تحلیل جرایم از لحاظ بزهکار و بزه دیده شناسی اهمیت زیادی در نهادهای انتظامی و قضایی پیدا نموده است و به منظور ارایه پاسخ مناسب به هر مشکلی نیاز است که دید گسترده ای از آن مساله داشت. محققین بر این باورند که تحلیل جرایم و شناخت ارکان جرم نقش به سزایی در فرضیه سازی و به تبع آن شناخت کلی از پدیده های مجرمانه دارد. با اینحال سوالاتی که مطرح است را چنین می توان بیان نمود که علل و عوامل موثر بر تجاوز به عنف چه می باشد و چه کسانی بیشتر در معرض این جرم قرار می گیرند و با توجه به اینکه یکی از اصلی ترین اضلاع مثلث جرم بزهکار است مشخصات مجرمین و شرایطی اجتماعی و فرهنگی که باعث می شود این جرم از سوی آنها صورت پذیرد چه می باشد؟

اهمیت و ضرورت

شاهرود، یکی از شهرهای استان سمنان و اولین شهر بزرگ این استان در ایران است. شاهرود در حد فاصل شهرهای دامغان در شرق، سبزوار و بردسکن در غرب و گرگان در شمال بوده و تقریباً در میانه راه تهران-مشهد می باشد به طوریکه فاصله آن از تهران ۴۰۰ کیلومتر و از مشهد ۵۰۰ کیلومتر می باشد. بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت شهر شاهرود ۲۱۸'۶۲۸ نفر بوده است. به سبب موقعیت خاص شهرستان تنوع فرهنگی و جمعیت در این شهرستان دیده شده که همراه با تعارضات و پیامدهای امنیتی است و یکی از دلایلی که این شهر که از لحاظ وسعت و جمعیت در زمره شهرهای متوسط و میانی است به عنوان قلمرو تحقیق انتخاب شده همین موقعیت و تنوع می باشد.

جرایم جنسی به ویژه تجاوز به عنف در طول تاریخ همواره به عنوان یکی از بدترین و تأسفبارترین جرایم تلقی شده است که در آن علاوه بر خسارات متعددی که به بار می آورد، به شأن و کرامت انسانی نیز توهینی عظیم صورت می گیرد. یکی از اعمالی که نوعی تعرض به تمامیت جسمانی اشخاص محسوب می شود، انجام عمل جنسی با آنها بدون رضایت و بر خلاف میلشان و با استفاده از عنف و اکراه است (مهری متانکلایی، ۱۳۸۹).

اهمیت جرایم منافی عفت خصوصاً در حالتی که منجر به تجاوز به عنف شود بر کسی پوشیده نیست و در اثر وقوع جرایمی از این دست تبعات آن تا چندین سال گریبان منطقه را بگیرد از جرایمی که جامعه و رسانه به آن حساس است و انتظار آنرا دارند پلیس به سرعت وارد عمل شده و با آن مقابله کند همین جرم است چرا که

احساسات عمومی را جریحه دار می کند و می طلبد پلیس دید مناسبی از این جرم داشته باشد و با تحلیل‌های مناسب پاسخ مناسبی در حل آن ارائه دهد.

از طرفی اهمیت اطلاعات آماری و نحوه تجزیه و تحلیل صحیح آن که این تحقیق به نوعی با این موارد سر و کار دارد در کلیه امور برنامه ریزی اعم از جمعیت شناختی، سیاست گذاری، تعیین اهداف، خط مشی ها، هدایت امور اجرایی و در نهایت ارزیابی میزان موفقیت یا عدم موفقیت آنها به قدری است که بسیاری از کارشناسان، اطلاعات آماری و تحلیل مناسب آنها را عامل زیربنای برنامه ریزی به شمار آورده و ایجاد یک نظام کارآمد و مؤثر در تولید و عرضه آمار را از الزامات اولیه و ضروری در برنامه‌ریزی می‌دانند.

سؤال اصلی تحقیق

علل و عوامل موثر بر وقوع تجاوز به عنف چه می باشد؟

سؤالات فرعی تحقیق

سؤال ۱- علل و عوامل فیزیولوژیک موثر بر وقوع جرم تجاوز به عنف چه می باشد؟

سؤال ۲- عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر وقوع جرم تجاوز به عنف چه می باشد؟

سؤال ۳- ویژگی های جمعیت شناختی بزه‌دیده و بزه‌کار جرم تجاوز به عنف در شهرستان شاهرود در سالهای

۹۵ و ۹۶ چگونه می باشد؟

پیشینه تحقیق

پوررضاقلی‌ها (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی "جرم شناختی تجاوز به عنف سریالی طی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰" پرداخته‌اند که با توجه به اینکه در شهر کرمان در بررسی‌های پلیسی مشخص شد یکسری تجاوز به عنف پی در پی واقع می‌گردد پس از دستگیری سه متجاوز به عنف سریالی در خصوص علل گرایش به ارتکاب رفتارهای مجرمانه نتیجه گرفته‌اند در هر یک از آنها با یکسری تفاوت‌های قابل اغماض، مجموعه عوامل روانی، اجتماعی و ژنتیک دخیل بوده است در واقع هر یک از متجاوزین دستگیر شده به تناسب ساختار خانوادگی، محل سکونت، رشد و نوع خانواده، دارای دوران طفولیت و نوجوانی همراه با تنش، عدم وجود حمایت‌های مطلوب از سوی خانواده بوده و مدعی هستند که دورانی از تجاوزات جنسی را در مقام قربانی تجربه نموده‌اند. که نقش محیط، اجتماع و ژنتیک را در بروز این جرایم با اهمیت تشخیص داده است.

رضایی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی جرم تجاوز به عنف از نگاه جرم‌شناسی" که در شماره ۴۱ فصلنامه علمی ترویجی کارآگاه چاپ شده است بیان داشته که تجاوز به عنف بر خلاف تصور رایج، تا آنکه یک جرم

جنسی صرف باشد، جرمی خشونت بار است که در آن از امور جنسی به عنوان یک ابزار استفاده می شود و ناتوانی قربانیان در اثبات بزه آنها را در معرض اتهام رابطه نا مشروع قرار می دهد.

چلبی (۱۳۹۰) در تحقیقی تحت عنوان تحلیل حقوقی - جرم شناختی تجاوز به عنف، که در شماره ۲ نشریه آموزه های حقوق کیفری، چاپ شده است به این نتیجه می رسد که در ارتکاب بزه تجاوز به عنف، عوامل اقتصادی مانند فقر یا احساس بی عدالتی چندان مؤثر نباشد در مقابل مؤلفه های فرهنگی همچون تصور عمومی از « زنانگی » و « مردانگی » و نیز عوامل اجتماعی نظیر محتوای قواعد اخلاقی و نیز میزان و دامنه وفاق بر روی قواعد اخلاقی از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار هستند.

ناصری بیامه (۱۳۹۳) در پایان نامه ای با هدف بررسی ویژگی های شخصیتی و عوامل اجتماعی متجاوزان به عنف و علل وقوع تجاوز در زندان های استان البرز از نوع کیفی و از الگوی نظری - زمینه ای استفاده نموده است. نمونه گیری به روش هدفمند صورت گرفته است. نمونه با مراجعه به ندامتگاه مرکزی کرج و انتخاب گروه نمونه از روی لیست موجود صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان می دهد که متجاوزان به عنف از نظر شخصیتی میزان بالایی از عصبیت را دارا می باشند و در ابعاد برون گرایی، گشودگی، توافق و وجدانی بودن در سطح پایینی قرار داشتند. در عوامل اجتماعی متجاوزان در محیط خانواده تبعیض، خشونت، بی تفاوتی و سردی را تجربه کرده بودند؛ محل زندگی نامناسبی داشتند؛ اکثراً مهاجر بودند؛ با دوستان ناباب در ارتباط بودند و دینداری و معنویت پایینی را گزارش دادند. در مجموع نتایج پژوهش حاضر نشان دهنده آن است که توجه به ویژگی های شخصیتی و عوامل اجتماعی در پدیده مخرب تجاوز به عنف می تواند حایز اهمیت باشد.

بیاتی (۱۳۹۳) به تبیین و تحلیل جرم تجاوز به عنف از دیدگاه جرم شناسی و راهکارهای پیشگیرانه آن در پایان نامه کارشناسی ارشدش پرداخته و نتیجه گرفته در جوامعی که عقاید مذهبی و دینی حکمفرماست قطعاً این بزه به شدت محکوم است و در مورد متجاوزین به عنف برخوردهای سنگینی صورت می پذیرد. جرم شناسان در ابتدا عیوب وراثتی و ژنتیکی را در این امر دخیل می دانستند اما به مرور زمان به این نتیجه رسیدند که علاوه بر موارد مذکور عواملی اجتماعی چون محیط نامناسب خانوادگی، مدرسه، فقر، ضعف باورهای دینی، بیماریهای روحی و روانی نیز دخیل هستند که در حال حاضر باید عوامل دیگری مانند تبلیغات ماهواره ای، گسترش روزافزون شبکه های غیراخلاقی، کمبود فضاهای رفاهی و تفریحی و وضعیت اشتغال را به آنها افزود.

دادور (۱۳۹۶) پایان نامه ای جهت اخذ درجه کارشناس ارشد با عنوان "ماهیت، ارکان و مصادیق تجاوز به عنف در فقه و حقوق ایران" به دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه فقه و حقوق دانشگاه آزاد تهران واحد مرکز ارائه داده و نتیجه گیری نموده در فقه به جای واژه ی عنف از واژه ی غصب استفاده شده است. زنانی به عنف و زنا با شخص در حالت بی هوش، مستی و خواب آلودگی اشاره شده است. و از مصادیق آن استفاده از زور و خشونت در زمان تجاوز جنسی است و رابطه جنسی با فرد در زمان مستی و هیپنوتیزم با توجه به عدم رضایت جرم بوده و تعقیب کیفری دارد.

مفاهیم و ادبیات تحقیق

جرایم جنسی مفهوم عامی است که کلیه ارتباطات جنسی طبیعی یا غیرطبیعی مانند زنا، هم جنس بازی، جریحه دار کردن حیا و عفت دیگران، حتی ارتکاب عمل جنسی مشروع در حضور دیگران را در برمی گیرد.

تجاوز جنسی به معنی انجام نزدیکی جنسی با فرد، بدون رضایت اوست. تجاوز جنسی تنها یک حمله فیزیکی و جنسی نیست، بلکه آسیب عمیق روحی و روانی نیز به همراه دارد. این خشونت، هرچند همیشه قتل را به همراه نداشته باشد، عموماً تهدید به قتل را به همراه دارد. تعاریف گوناگونی برای تجاوز جنسی در اقصی نقاط دنیا و نیز برهه‌های مختلف تاریخی ارائه شده است. تعریف تجاوز به عنف، در بسیاری متون قضایی، آمیزش (مقاربت) جنسی یا انواع دیگر روابط جنسی است که بدون رضایت فرد قربانی، از سوی شخص متجاوز بر او تحمیل می‌شود و همین وجه تمایز تجاوز به عنف است که آن را با سایر جرایم جنسی متمایز می‌کند که در این جا عنصر رضایت طرفینی مخدوش است؛ به عبارت دیگر در این شکل از جرم جنسی که زنا به عنف می‌باشد، یکی از طرفین علیرغم میل باطنی خود و تنها به دلیل اعمال فشار از طرف مقابل در رابطه جنسی درگیر می‌شود و از همین روست که او را قربانی یا بزه‌دیده می‌خوانند و برخلاف سایر جرایم جنسی، نه تنها مفعول یا بزه‌دیده این جرم قابل ملامت و سرزنش و در واقع مستحق مجازات نیست، بلکه باید به انحاء مختلف مورد حمایت قرار گیرد تا خدشه و خسارت وارده به کرامت انسانی به یغما رفته او تا حدی جبران گردد (مه‌ری، ۱۳۹۰: ۱۲) تجاوز جنسی در حقیقت تنها یک حمله فیزیکی نیست بلکه درعین حال حمله معنوی و حمله به شأن انسان است که در آن قربانی در نهایت قساوت مورد تعرض قرار می‌گیرد. با این حال، تعریف این جرم برخلاف انواع جرم شناختی آن، که همیشه و همه گاه ثابت بوده است، در طول سالیان اخیر و تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در برخی کشورها دچار تغییر شده است (پوررضاقلی و پور رضا قلی، ۱۳۹۷: ۵۲)

کلمه تجاوز در بردارنده مفهوم عنف و زور نیز می‌باشد و چنین به نظر می‌رسد بکار بردن این دو واژه به صورت تجاوز به عنف صحیح نباشد. لیکن با توجه به مصطلح بودن و همچنین تأکیدی که بر وجه عدم رضایت قربانی دارد کاربرد گسترده ای دارد.

تجاوز به عنف، تجاوز جنسی مقرون با آزار نیز معنی شده است و آزار دیگران عبارت است از ارتکاب اعمال یا جنبه‌های جسمانی، عاطفی، روانی و همچنین تهدید دیگران به انجام این گونه اعمال که بر اشخاص تأثیر گذار است و هر رفتاری که موجب ایجاد هراس، نگرانی، تهدید و اداره کردن تحقیر کردن و آسیب رساندن و جراحت وارد کردن به افراد شود در زمره خشونت و آزار است (داوویس، ۱۳۹۴: ۱۴)

در مطالعه‌های کلاسیک صورت گرفته در ایالات متحده در مورد رفتارهای خشن مجرمین مرد بزرگسال که با عناوت بزه‌کاران بالفطره منتشر شده مشخص شده است حدود ۶ درصد از مجرمین خشن، عامل ۷۰ درصد از جرایم خشونت بار در آمریکا هستند (همان: ۵۵) که این نشان می‌دهد با شناسایی گروه‌های هدف و اجرای برنامه‌های پیش گیرانه می‌توان از وقوع این گونه جرایم تا حدی جلوگیری نمود.

جرایم جنسی دارای رقم سیاه بالایی هستند؛ رقم سیاه جرم عبارت است از تفریق بزهکاری واقعی (تمام جرایمی که در یک زمان و مکان معین اتفاق می‌افتد) و بزهکاری ظاهری (جرایمی که توسط پلیس کشف و برای آنها پرونده تشکیل شده است). در بررسی دلایل وجود رقم سیاه بزهکاری می‌توان به مواردی مانند عدم توانایی پلیس در کشف جرم، خودداری بزه‌دیده از طرح شکایت، خارج شدن پرونده از فرایند آمار جنایی به دلیل صدور قرارهای کیفری مانند قرار موقوفی تعقیب یا ترک تعقیب اشاره کرد (نجفی توانا، ۱۳۸۹: ۸۹). از دیگر دلایلی که قربانیان تجاوز از شکایت صرف نظر نمایند ترس از انتقام از سوی متشاککی و خانواده وی، پیش داوری و سرزنش بزه‌دیده و بی‌اعتمادی به مراجع قضایی و انتظامی می‌باشد (وروایی: ۱۳۹۵).

همانطور که در بالا اشاره شد، رقم سیاه بزهکاری اختلاف میان میزان واقعی جرایم واقع شده و جرایم کشف شده توسط پلیس است. آنچه که از آن تحت عنوان رقم سیاه بزهکاری یا بزهکاری پنهان یاد می‌شود، همواره وجود خواهد داشت. از این نظر گفته می‌شود که رقم سیاه بزهکاری یکی از موانع اصلی ارزیابی واقعی تعداد جرایم ارتكابی است.

با توجه به تجربه چند ساله محققین در پلیس آگاهی و همچنین بررسی پرونده‌ها در چندین مورد مشاهده می‌شود که اعلام تجاوز به عنف بلافاصله پس از وقوع نبوده و پس از آنکه خانواده و آشنایان فرد از وجود رابطه نامشروع باخبر می‌شوند قربانی به جهت سرزنش نشدن و همچنین جلوگیری از خشونت‌های خانوادگی به دروغ ادعای تجاوز به عنف را مطرح می‌کند در حالی که آن رابطه جنسی مرضی الطرفین بوده و پس از فشار روحی و جسمی ادعای دروغ مطرح می‌شود. در این حالت در جهت عکس رقم سیاه جرم در آمار جنایی وقوع ثبت می‌گردد. موارد دیگری نیز مانند عذاب وجدان شاککی و یا قصد اخاذی از متهمین نیز در این آمار جای می‌گیرد.

یکی از راه‌حل‌های اساسی برای از بین بردن شکاف میان آمار کیفری و آمار واقعی رویدادهای جنایی برگزاری پیمایش‌های جنایی است. پیمایش‌های راجع به رویدادهای جنایی، بطور کلی در دو شاخه پیمایش‌های بزه‌کاری و بزه‌دیدگی قابل تقسیم اند. در هر دو مورد، پژوهشگران یا مجربان پیمایش، برپایه پرسش‌نامه‌ها یا سایر شیوه‌های کسب اطلاعات، به دنبال درک تجربه‌های جنایی جامعه نمونه خود به عنوان بزه‌کار یا بزه‌دیده یا شاهد یا آگاه از رویداد جنایی‌اند. (پایگاه اینترنتی دانش نامه پلیس)

علل و عوامل وقوع تجاوز جنسی

بررسی‌ها و مطالعات انجام گرفته نشان می‌دهد که تجاوز جنسی در واقع انحراف جنسی است و شخص متجاوز به این دلیل که نمی‌تواند از طرق عادی و با ایجاد رابطه انسانی، مشروع و قانونمند نیازهای خود را برطرف کند و یا به علت عدم تعادل روانی با تمسک به زور و جبر و خلاف میل طرف مقابل به تمامیت جنسی وی تعرض می‌کند.

لذا این پدیده هم عامل روانی و فیزیولوژیکی دارد و هم زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی؛ به این معنا که گاهی شخصیت روانی افراد و تغییرات فیزیولوژیکی او باعث ارتکاب این جرم می‌گردد و زمانی هم بستر، شرایط و بافت

اجتماعی و فرهنگ حاکم بر جامعه. به عبارت دیگر، جرایم جنسی عمدتاً ارتباط تنگاتنگی با شرایط سنی، فرهنگی و اقتصادی مرتکبان دارد و این نوع جرایم در اکثر کشورهای جهان وجود دارد.

تجاوزات جنسی و به‌طور مشخص تجاوز به عنف از جمله جرایمی هستند که از قدیم‌الایام یعنی زمانی که بشر زندگی جمعی خود را آغاز کرد تا به امروز وجود داشته و هم‌اکنون نیز در کشورها و جوامع مختلف با انگیزه‌های متفاوت ارتکاب می‌یابد، در ذیل به صورت مختصر به این عوامل اشاره می‌شود:

۱. اختلالات شخصیتی:

یکی از رویکردها برای دریافت علل و عوامل تجاوزات جنسی، نگاه و رویکرد روانشناسانه به این پدیده است. بر اساس مطالعات این رویکرد، تجاوزات جنسی توسط افرادی انجام می‌شود که از لحاظ شخصیتی و روانی متعادل نیستند، یا خود، قربانیان خشونت جنسی در دوران کودکی بوده‌اند یا اینکه مورد خشونت‌های رفتاری پدر و مادر قرار گرفته‌اند و از جنس مخالف کینه به دل دارند. در این رابطه متجاوزین در دایره الف - آزارگران جنسی که از درد کشیدن قربانی دچار تحریک جنسی می‌شوند، ب - مهاجمین بهره‌کش که به طریق تکانشی قربانی را به عنوان یک شیء جهت ارضای جنسی خود استفاده می‌کنند، ج - مردان بی‌کفایت که معتقدند هیچ زنی داوطلبانه با آنها ازدواج نخواهد کرد و مدام در تخیلات جنسی خود غرق هستند و د - مردهایی که تجاوز به عنف از طرف آنها، جابجایی در خشم و غضب است، قرار می‌گیرند (اوحدی، ۱۳۸۴: ۳۰۹).

۲. محرومیت از روابط جنسی طبیعی:

ازدواج از سنت‌های موکد و در شرایطی، حتی واجب دین اسلام است و سایر ادیان نیز به صورت فوق‌العاده‌ی به قانونمند ساختن روابط جنسی زن و مرد از طریق عقد نکاح و ازدواج به آن سفارش کرده است. ازدواج که در واقع مشروع ساختن روابط آزاد و خارج از قید و بند جنسی است، سبب جلوگیری از آتش شهوت می‌گردد و زمینه وقوع تجاوز جنسی را به صورت قابل توجهی کاهش می‌دهد. کسانی که به هر دلیلی نمی‌توانند ازدواج کنند، در صورتی که دارای عوامل زمینه‌ای اشاره شده باشند همواره در معرض اینکه مرتکب این عمل شوند، قرار دارند و تنها عامل اخلاقی و فشارهای اجتماعی است که تا حدودی می‌تواند او را کنترل کند.

در روایات اسلامی به کرات تأکید می‌شود که انجام اعمال زنا شویی در خانواده‌ها باید به دور از حضور اطفال صورت بگیرد. در معرض قرار گرفتن اطفال و نوجوانان در معرض روابط جنسی افراد دیگر می‌تواند از سوی والدین و آشنایان باشد و یا از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت که به سختی قابل محدود سازی هستند، صورت پذیرد. حتی اگر محدودیت و کنترل از سوی خانواده‌ای به درستی اعمال شود لیکن به راحتی می‌تواند از سوی همسالان در معرض تصاویر و فیلم‌های نامناسب سن فرد قرار گیرد. که پیامدهایی از قبیل بلوغ زودرس و

زمینه سازی مشکلات روانی متعددی مانند اضطراب و افسردگی، ابهامات سادومازوخیستی (آزارگری-آزارخواهی) در مورد رابطه جنسی، ترس از تنهایی، آسیب پذیری و... شود.

نظریات جرم شناسی مرتبط با تجاوز به عنف

در خصوص دیدگاه های موجود در جرم شناسی چندین دیدگاه در ادبیات جرم شناسی مطرح است. یک دیدگاه بر نقش بزه دیده در فرآیند ارتکاب جرم تاکید می ورزد و معتقد است که مجنی علیه، یک رکن و عنصر حیاتی در ارتکاب جرم، به ویژه در وضعیت های خاص محسوب می شود، دیدگاه دیگر بر مسئولیت قربانی در «پیدایش جرم» تاکید دارد. استفان اسکافر معتقد است که برخی از بزه دیدگان می توانند محرک و مشوق مجرمین باشند و دیدگاه های دیگر بر نقش اجتماع، محیط و نقش هم سالان و گروه های اجتماعی تکیه دارد و جرم را ناگزیر از اجتماعی شدن انسان می داند چرا که انسان منفرد امکان بزهکاری را ندارد.

به عنوان مثال نظریه پردازان معاشرت ترجیحی (پیوند افتراقی) معتقدند که جرم یک پدیده فرهنگی و در عین حال نوعی رفتار اکتسابی است. معاشرت ترجیحی نظریه ای اثباتی است که در آن تمرکز بر روی مجرمان و رفتارهای آنها قرار دارد. در این رابطه ساترلند و کرسی مدعی بودند که افراد در جوامع خاص یا در برخی موقعیت های اجتماعی و در خلال کنش متقابل با دیگران، دانستنی های لازم را درباره رفتار مجرمانه فرا می گیرند و مهم ترین نوع این کنش های متقابل، در میان گروه های خودمانی و شخصی بوقوع می پیوندد و گروه هم سالان در زمره این گروه ها می باشد. به نحوی که شخص آنقدر که از همسالان تأثیر می پذیرد از خانواده، والدین و نهادهای فرهنگی تأثیر نمی گیرد (وایت و هینز، ۱۳۸۶)

در خصوص جرایم جنسی به ویژه تجاوز به عنف، با عنایت به نظریه فشار اجتماعی و فرصت ارتکاب جرم می توان گفت اشخاصی که مرتکب اینگونه جرایم می گردند در وضعیتی قرار دارند که نمی توانند از وسیله مشروعی همچون ازدواج در جهت رسیدن به هدف مشروع ارضاء میل جنسی استفاده نمایند. به همین علت در برطرف ساختن این نیاز طبیعی به نوعی نوآوری می کنند یعنی می پذیرند که ارضاء میل جنسی امری طبیعی و مطلوب است و در همگان وجود دارد، اما به دلیل فشارهای اجتماعی مانند فقر یا شرایط نامطلوب تحصیلی و مواردی از این دست درمی یابند که شرایط لازم برای ارضاء و اطفاء این میل و نیاز طبیعی را ندارند. برخی از این افراد به اولین راه حلی که به ذهن آنان خطور نماید متوسل شده و مرتکب جرایم جنسی می گردند (مهری، ۱۳۹۰: ۹۷)

نظریات جرم شناسی عمدتاً به تأثیر عوامل محیطی و اجتماعی در وقوع رفتار مجرمانه تأکید دارند و رویکرد جبرگرایانه به محیط طبیعی دارند. در تلاشهای بعضی از محققان معاصر که در صدد دستیابی به همبستگی محیط جغرافیایی و جرم برآمده اند نیز وجود دارد. به عنوان نمونه (کته) و (گری) به کمک آمار به ثبت رابطه بزهکاری و محیط جغرافیایی پرداخته اند. به نظر کته جرم از ناحیه ی انسان به طور منفرد قابل تصور نیست. انسان فرزند محیط است و خواه ناخواه اعمال او از تأثیر محیط دور نیست. او با استفاده از آمار جرایم و بیان نظریه (قانون

حرارت) به این نتیجه رسید که اراده آزاد وجود ندارد و اگر یافت شود، قابل لمس نیست (قالیباف و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۵).

جنایت محصول فساد جامعه و جنایتکار قربانی جامعه است. این تئوری جرم شناسی، جرم را ناشی از نظم خاص اجتماعی حاکم بر جامعه معین می‌داند و بر این عقیده است که همه ی انواع جرایم به نوعی نشانگر این نظم حاکم هستند. در حقیقت این نظریه که جرم را یک پدیده اجتماعی تلقی می‌کند، آن را برآمده از ساختارها، فرایندها و کنش و واکنشهای موجود در جامعه می‌شناسد و مدعی است که اعمال و ارزشهای مجرمان را اصولاً نیروها و عوامل فراگیر موجود در سطح جامعه تعیین می‌بخشد و این دسته افراد چندان مجالی برای صورت دادن گزینش‌هایی آگاهانه درباره گزینه های اجتماعی در دسترس خود ندارند. در این راستا، این نظریه به نوعی منکر اختیار و اراده و قدرت انتخاب اشخاص شده است و از این لحاظ به مکتب تحقیقی یا اثبات‌گرا شباهت دارد؛ چرا که در مکتب تحقیقی فرد از لحاظ زیستی یا روانی در شرایط و وضعیتی قرار دارد که ناگزیر از ارتکاب جرم است به این دلیل که آنچه او را وادار به ارتکاب جرم می‌کند حالت و وضعیت خاص زیستی یا روانی اوست، نه اراده ای که آزادانه انجام رفتار مجرمانه را انتخاب کرده باشد. در همین راستا نظریه اصالت ساخت و کارکرد، جامعه را یک نظام پیوند خورده و منسجم در نظر می‌گیرد که از طریق ارزشهای مشترک و توافق جمعی مردم در مورد آنها ثبات خود را حفظ می‌کند. از دیدگاه این نظریه، نهادهای اجتماعی با یکدیگر رابطه ای نزدیک دارند و هر تغییری که در هریک از آنها پدید آید، مابقی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اصولاً نمی‌توان هیچ رفتاری را به عنوان یک جزء جدا و منفرد بررسی کرد (ممتاز ۱۳۸۱: ۴۹).

عقاید متفاوت با جبر جامعه و اجتماع وجود دارد و نقش اختیار را بیشتر و مهمتر از تأثیر محیط اجتماع و خانواده که فرد آنچنان در گزینش آنها نقشی ندارد قائل هستند. به عقیده دکترکی نیا، انسان نوعاً دارای اراده و آزادی انتخاب میان نیک و بد و خیر و شر است. این نیرو در اغلب افراد به علت ساختمان جسمی و روحی قوی در حد اعتدال موجود است ولی بعضی چون دیوانگان آن را به کلی فاقدند. در میان این دو حد درجاتی وجود دارد که به آن نسبت، افراد متمایل به خیر شده و از شر می‌گریزند و میزان تقوای هرکس متناسب با قدرت اراده اوست، ضعف یا قدرت اراده است که موجب شکست یا غلبه قدرت مقاومت در برابر عوامل مولد جرم می‌شود. این امر به اراده خود انسان است که به می‌گساری بپردازد یا از آن بگریزد، دوستان خود را از میان افراد صالح برگزیند یا طالح، به مراکز فساد و قمارخانه ها برود یا نرود. احتمال بروز بزهکاری را در خود بارور سازد یا آن که از هر شائبه ای برکنار ماند. در واقع افراد هر جامعه تحت تأثیر شرایط خاصی که بر آن حکم فرما است به نوعی محکوم به این هستند که بزهکار باشند یا ناکرده بزه (مهري، ۱۳۹۰).

در مورد نقش بزه‌دیده در فرآیند ارتکاب جرم به دیدگاه سبک زندگی می‌توان اشاره نمود، علل بزه دیدگی برخی افراد «شیوه یا سبک زندگی» آنان است که آنها را بیشتر در معرض تهاجم مجرمین قرار می‌دهد. برای نمونه مجرد زیستن، معاشرت با مردان جوان، رفت و آمد شب هنگام و زندگی در شهرهای بزرگ از شیوه‌های زندگی است که نرخ بزه‌دیدگی زنان را افزایش می‌دهد. همچنین پوشیدن لباس‌های تنگ و بدن‌نما اثرات نامطلوب و تحریک

کننده‌ای در جوانان ذکور دارد که این امر می‌تواند وسوسه اعمال خشونت برای ارضای میل جنسی را در آنها برانگیزاند. امروزه ربایندگان زنان و دختران به وسایل کامل‌تری مجهز شده‌اند، قبلاً موقعیت را دقیقاً زیر نظر گرفته و به صورت گروهی به سراغ شکار خود می‌روند و گاهی با کسب اطلاعات کافی از لحاظ طرز زندگی، ساعات عبور و مرور زنان و دختران آشنا و بیگانه، اقدامات لازم را به عمل می‌آورند و پس از ربودنشان، به اماکن مجهز و آماده انتقال داده و در معرض تجاوز و فروش قرار می‌دهند و با استفاده از امکانات کامل‌تری که در اختیار دارند، ابتدا آنها را زندانی کرده و به طور مخفیانه نگهداری می‌نمایند و در صورت مقاومت، با انواع شکنجه‌ها و تجاوز به عنف، فرد وادار به تسلیم نموده و به حرفه تن فروشی عادت می‌دهند (اوحدی، ۱۳۸۴: ۳۱۹).

تئوری اعمال روزمره، نیز بیان می‌دارد اجتماع، انباشته از مجرمین برانگیخته‌ای است که آماده ارتکاب جرم می‌باشند. از این رو پایین بودن ایمنی و محافظت در برخی گونه‌ها، آماج‌های مناسبی را برای دست یازیدن به ارتکاب جرایم توسط چنین مجرمین بالقوه‌ای فراهم می‌کند.

طبق این نظریه، زنان به خاطر وضعیت ظاهری و روحی خاص خود، همواره در معرض قربانی شدن قرار دارند، زیرا همه مردان، مجرم بالقوه می‌باشند. در حالی که مطابق نظریه سبک زندگی، زنان خاصی که زمینه را فراهم می‌کنند، مستعد قربانی شدن هستند، اما طبق این نظریه، جنس زن ماهیتاً دارای خصوصیتی است که در معرض خطر قرار دارد. این خصوصیات ذاتی عبارتند از:

۱. وضعیت ظاهری زنان، خصوصاً زیبایی آنان نقش مهمی در قربانی شدن آنها دارد.
۲. زنان از نظر روحی دارای خصوصیات ویژه‌ای هستند، لطافت روحی و غلبه احساسات و عواطف در زنان باعث می‌شود تا تحت تأثیر عواطف خود قرار گرفته و در دام اغفال‌گران و اغواگران گرفتار شوند. طبق این نظریه، زنان باید در هر شرایط و در هر مکانی، به فکر نکات ایمنی باشند و هیچگاه احتیاط را از دست ندهند. (حمیدی و قاسمیان، ۱۳۸۲: ۸۶)

ویژگی‌های جمعیت شناختی در پرونده‌های مورد مطالعه و سایر تحقیقات انجام شده

فرضیه یونیفرماتارین^۱ بیان می‌دارد که فرآیندهای مشاهده شده در حال حاضر در زمان گذشته کاربرد داشته اند و در زمان آینده نیز تأیید خواهند شد. بدون پذیرش این فرضیه که "فرآیندهایی که باعث به کارگیری مشخصه‌های قطعی بعضی از اعضاء جمعیت می‌شوند در جمعیت گسترده تر مؤثر هستند" هر شکل استنباط آماری یا برآورد، صحیح نمی‌باشد (لوسی، ۱۳۸۷: ۲۱). از طرفی جرایم تجاوز جنسی دارای رقم سیاه و اعلام نشده بالایی به دلایلی که قبلاً اعلام شد هستند فلذا جرایمی که اعلام می‌شود به نوعی نمونه‌گیری طبیعی است و می‌توان آنرا طبق

¹ - uniformitarian assumption

فرضیه یونیفورماتارین به کل جامعه آماری در گذشته و آینده ارتباط داد. در بررسی و تحلیل پرونده های ارجاعی به پلیس آگاهی شهرستان شاهرود موارد ذیل استخراج شده است:

بیشتر جرایم و اتهامات در پرونده های مورد بررسی متوجه بومیان و ساکنین در محل به میزان (۸۲٪) می باشد. (۷٪) جرایم را افراد غیر بومی و حدود (۱۱٪) را اتباع و مهاجرین مرتکب شده اند. تمامی قربانیان بومی و ساکن شهرستان بوده اند. در این مورد نیز نقش آشنایی مجرمین به محل و محیط کاملاً مشهود است. علی رغم آنکه در صد متجاوزین اتباع خارجی نسبت به بومی ها و اتباع ایرانی زیاد نمی باشد لیکن نسبت به جمعیتی که در شهرستان اتباع خارجی دارند نرخ جرم زیادی است.

بیشتر مشاغلی که از متهمین گزارش شده آزاد (۳۵٪)، کارگر (۲۲٪)، راننده، بیکار، دامدار و کشاورز و در یک مورد متهم دانشجوی بوده است. در این رابطه مشاغل قربانیان محصل و دانشجو (۳۶٪)، خانه دار (۲۵٪)، آزاد (۳۶٪) و (۳٪) بیکار بوده اند. تحصیلات بیشتر قربانیان و متهمین دیپلم (۳۵٪) و زیر دیپلم (۶۱٪) و (۴٪) دانشجو بوده اند.

در سایر تحقیقات انجام شده متجاوزین به لحاظ طبقه اجتماعی، متعلق به طبقات پایین و دارای پرونده های قبلی در اداره پلیس و سیستم قضایی می باشند، همچنین تجاوز جنسی در مناطق شهری، شایع تر از مناطق روستایی است. ۹۲ درصد از تجاوزگران نیز در دوران کودکی، به شدت توسط والدین خود تنبیه شده اند. ۵۰ درصد تجاوزگران جنسی، در محله زندگی قربانی سکونت دارند؛ به طوری که ۲۰ درصد قربانیان، نام فرد تجاوزگر را می دانند. در نیمی از موارد، فرد متجاوز بیگانه است، در ۲۰ درصد موارد، قربانیان، فرد تجاوزگر را قبلاً دیده اند (اوحدی، ۱۳۸۴: ۳۰۹) و همانطور که مشاهده می شود با نتایج پژوهش مطالعه موردی پرونده های بررسی شده همخوانی دارد.

محل هایی که جرم در آن اتفاق افتاده منزل با (۳۲٪) و باغ و خانه باغ (۱۴٪) و پس از آن بیابان (۱۰٪) و درصد باقی مانده در ساختمان نیمه ساز، زمین کشاورزی، پارکینگ آپارتمان، مغازه و پارک است.

در تحقیقات انجام شده و مطالعه محتوی پرونده های مورد بررسی در پلیس آگاهی شهرستان شاهرود عاملی که از سوی شاکیان به عنوان تهدید و یا دلیل سلب اراده قربانیان اعلام شده (۳۵٪) تهدید با چاقو که در بعضی موارد همراه با کتک کاری بوده است. (۱۸٪) ضرب و شتم بزه دیده و پس از آن اغفال، معلولیت ذهنی قربانی، خوراندن قرص خواب، روانگردان و مشروبات الکلی بوده است. (۷۲٪) متهمین دارای وسیله نقلیه موتوری (۴۰٪ خودرو سواری، ۱۲٪ موتورسیکلت، ۱۲٪ خودروی وانت، ۴٪ مینی بوس و ۴٪ خودروی شاسی بلند) و (۲۸٪) متهمین فاقد وسیله نقلیه بوده اند.

(۸۵٪) قربانیان مونث و (۱۵٪) مذکر هستند. (۱۰۰٪) متجاوزین مذکر بوده و میانگین سن قربانیان حدود ۲۱ سال با انحراف استاندارد حدود ۶ سال بوده است. و میانگین سن متهمین حدود ۲۶ سال با انحراف استاندارد ۵,۵ سال است. که نشان دهنده این موضوع است که سن بحرانی دختران برای در معرض خشونت های اجتماعی قرار گرفتن در ابتدای زمانی است که قصد مستقل شدن و ورود به جامعه هستند و همچنین متوسط سن متجاوزین ۵ سال بیشتر از سن قربانیان به دست آمده. قابل توجه است که در تحقیقات مربوط به کشورهای

دیگر نیز تقریباً این گستره سنی قربانیان مشاهده شده است. برای مثال ویژگی های جمعیت شناختی قربانیان تجاوز در تعدادی از تحقیقات امریکا نشان می دهد که قربانیان معمولاً جوان (۱۶ تا ۲۵) و به ندرت پیر، مجرد و کم در آمدند. هم چنین اغلب قربانیان دانشجو بوده اند و زنان خانه دار و کارمند کمتر در عرض خطر قرار داشته اند. زنان مجرد به علت نوع زندگی شان (مانند تنها سفر کردن، تنها زندگی کردن و به سر بردن در مناطق غیرمرفه اقتصادی) بیش از زنان متأهل قربانی تجاوز می شوند. اگرچه یافته های پژوهش آمریکایی را نمی توان به تمامی کشورها تعمیم داد، اما باید گفت در یک تحقیق انگلیسی هم به این نتیجه رسیده اند که اغلب قربانیان در سنین جوانی قرار داشته اند و به گروه های حرفه ای متفاوت متعلق بوده اند (دادستان، ۱۳۸۸: ۴۲۰)

تعداد متجاوزین در (۶۰٪) پرونده های یک نفر بوده و حدود (۳۲٪) دو نفر بوده اند و در (۸٪) موارد ثبت شده متهمین سه نفر و یا بیشتر بوده اند.

(۵۶٪) از موارد اعلام شده سابقه دوستی، دوستی خانوادگی، آشنایی به سبب هم محلی بودن و یا همسایگی مابین متهم و قربانی وجود داشته و در (۴۴٪) پرونده ها سابقه دوستی و آشنایی در تحقیقات انجام شده بدست نیامده است. همانطور که مشاهده می شود در بیشتر موارد میان متجاوز و قربانی سابقه آشنایی وجود داشته است.

لازم به ذکر است هر چند برخی از مردان و پسران جوان، توسط مردان دیگر مورد تجاوز واقع می شوند، اما زنان، قربانیان اصلی آزارهای جنسی هستند و درصد تجاوز به مردان نسبت به زنان بسیار ناچیز است. قربانیان در تمام گروه های سنی مشاهده می شوند، ولی بیشترین خطر برای سنین ۱۶ تا ۲۴ سال می باشد که در مورد پرونده های مورد بررسی نیز مشاهده می شود که تقریباً هم خوانی وجود دارد. در مواردی که متجاوز یک نفر است و از آشنایان قربانی می باشد، تجاوز در اطراف محل سکونت قربانی و معمولاً داخل یا نزدیک خانه زن صورت می گیرد و اکثر موارد، با نقشه قبلی انجام می شود. اما تجاوزات گروهی معمولاً در مکان هایی که متجاوزین از قبل در نظر گرفته اند نظیر خرابه ها، باغات دور افتاده، منزل خالی یکی از متجاوزین و ... انجام می گیرد.

بیماران روانی که به لحاظ عقلی دارای نقصان بوده مانند زنان دارای اختلال اسکیزوفرنی و دوقطبی خصوصاً در دوران شیدایی، با این حالات روانی بیش از سایرین، قربانی تجاوز جنسی واقع می شوند. دختران فراری و زنان خیابانی نیز درصد نسبتاً بالایی از قربانیان تجاوز، هستند. دختران فراری، به دلیل نداشتن سرپناه و حامی جدی و ترس از مراجعه به مراکز قانونی، به جهت اجبار آنها در بازگشت به خانه و زنان روسپی به دلیل سوء سابقه اعتیاد، بسیار آسیب پذیر می باشند و جوانان ولگرد با آگاهی از این وضعیت، آنها را تهدید کرده و مورد تجاوز قرار می دهند (رمضان نرگسی، ۱۳۸۳).

تحلیل زمانی یکی از مهمترین تحلیل ها در پژوهش های پیمایشی است در خصوص پرونده های بررسی شده مشاهده می شود که بیشتر جرایم در روزهای چهارشنبه (۲۷٪)، سه شنبه (۱۸٪) و یکشنبه (۱۸٪)، جمعه

(۱۵٪) و شنبه (۱۵٪) و پنجشنبه (۳،۵٪) و دوشنبه (۳،۵٪) مشاهده شده است. (۸۱٪) جرایم در روزهای غیر تعطیل و (۱۹٪) در ایام تعطیل (جمعه و تعطیلات رسمی) اتفاق افتاده است. پراکنش زمانی وقوع جرایم به صورت دو خوشه در گستره زمانی ۲۴ ساعت قابل مشاهده است و در دو گستره زمانی قبل از ظهر و ظهر از ساعت ۹ تا ۱۵ و بعد از ظهر ۱۸ تا ۲۳ می باشد که بیشتر جرایم در ساعات میانی شب پس از غروب آفتاب اتفاق افتاده است و در ساعاتی است که اوج فعالیت های شهروندان بوده است.

پیشنهاد

پیشنهاد می شود به علت اینکه جرایم تجاوز رقم سیاه جرم بالایی دارند به صورت دوره های زمانی حداقل ۲ ساله با همکاری استانداری، نهادهای پیشگیری از جرم قوه قضائیه، پلیس و مراکز دانشگاهی با جامعه آماری و حجم نمونه مناسب نسبت به اجرای پیمایش های جرم اقدام و میزان رقم سیاه جرم و ترس از جرم جرایم تجاوز به عنف برآورد مناسبی گردد تا در برنامه های پیشگیرانه و مقابله ای اعمال گردد. در رابطه با مبحث جرم یابی تشکیل و تکمیل بانک ملی اطلاعات ژنتیک در وحله اول از متهمین به تجاوز دستگیرشده و در مرحله بعد کلیه متهمین به جرایم خشن و بهره برداری های تطبیقی و مقایسه ای با توجه به احتمال تکرار جرم توسط اینگونه افراد می تواند در روند رسیدگی به جرایم تجاوز تسریع بخشد

منابع

۱. اوحدی، بهنام (۱۳۸۴) تمایلات و رفتارهای جنسی انسان، چ پنجم، تهران: صادق هدایت
۲. بیاتی، ابوالفضل (۱۳۹۳) تبیین و تحلیل جرم تجاوز به عنف از دیدگاه جرم شناسی و راهکارهای پیشگیرانه آن، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
۳. پور احمد، احمد؛ رهنمایی، محمد تقی و کلانتری، محسن (۱۳۸۲) بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران، فصلنامه پژوهشهای جغرافیایی، دوره سی و پنج، شماره ۴۴: ۸۱-۹۸
۴. پوررضاقلی، بهاره (۱۳۹۳) بررسی جرم شناختی تجاوز به عنف سریالی طی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ در کرمان، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
۵. پوررضاقلی، بهاره و پوررضا قلی، هوشنگ (۱۳۹۷) بررسی جرم شناختی تجاوز به عنف سریالی طی سالهای ۸۵ تا ۹۰ در کرمان، فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی کرمان، سال ۹ شماره ۳۲: ۵۱-۸۲
۶. حمیدی، فریده و قاسمیان، پروانه (۱۳۸۲) حقوق زنان، حقوق بشر، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
۷. چلبی، ارژنگ (۱۳۹۰) تحلیل حقوقی - جرم شناختی تجاوز به عنف، نشریه آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره جدید، شماره ۲: ۱۹۹-۲۱۹
۸. دادستان، پربرخ (۱۳۸۸) روانشناسی جنایی، چاپ چهارم، تهران: سمت

۹. داد و سعیدرضا (۱۳۹۶) ماهیت، ارکان و مصادیق تجاوز به عنف در فقه و حقوق ایران پایان نامه کارشناس ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه فقه و حقوق دانشگاه آزاد تهران واحد مرکز
۱۰. داوینس، ریچارد ال (۱۳۹۴) خشونت های خانگی، مترجم: محمد منصوری، تهران: دانشگاه علوم انتظامی
۱۱. رضایی، رضا (۱۳۹۶) بررسی جرم تجاوز به عنف از نگاه جرم شناسی، فصلنامه کارآگاه، شماره ۴۱:۴۱-۳۷
۱۲. رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۲) تجاوز و بزه دیدگی زنان، مطالعات راهبردی زنان ۱۳۸۳ شماره ۲۳
۱۳. قالیباف، محمد باقر؛ انصاری زاده، سلمان و پرهیز، فریاد (۱۳۸۹) بررسی و تحلیل نقش کانون های جرم خیز در وقوع جرایم شهری، نشریه شهرداریها، سال یازدهم، ۱۰۰: ۲۲-۳۳
۱۴. لوسی، دیوید (۱۳۸۷) مقدمه ای بر آمار برای کارشناسان جنایی، ترجمه حسین زین العابدین، تهران: پلیس آگاهی ناجا، انتشارات کارآگاه
۱۵. ممتاز، فریده (۱۳۸۱) انحرافات اجتماعی: نظریه ها و دیدگاهها، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار
۱۶. مهری متانکلایی، مریم (۱۳۸۹)، بررسی بزه تجاوز به عنف از نگاه جرم شناسی، نشریه علمی- ترویجی کارآگاه شماره ۱۲: ۱۰۶-۱۳۷
۱۷. مهری، مریم (۱۳۹۰) بررسی جرم شناختی بزه تجاوز به عنف، پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران
۱۸. ناصری بیامه، عدنان (۱۳۹۳) بررسی ویژگی های شخصیتی و عوامل اجتماعی متجاوزان به عنف و علل وقوع تجاوز در زنداندانهای استان البرز، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
۱۹. نجفی توانا، علی (۱۳۸۹) جرم شناسی، تهران: آموزش و سنجش
۲۰. وایت، راب و هینز، فیونا (۱۳۸۶) جرم و جرم شناسی، چاپ سوم، ترجمه علی سلیمی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۲۱. روایی، اکبر و فاطمی موحد، حمید (۱۳۹۵) پیمایش جرم، تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.

Criminological analysis of rape based on the demographics of victims and their perpetrators

Case study: Shahrood city 95 and 96

Mohammad Hemmati*¹

Received: 03-09-2019

Revised: 21-11-2019

Accepted: 24-11-2019

Abstract

One of the crimes that has a great impact on public security is the crime of aggression against women and children, which can be caused by a critical social dignity in society and its scope is drawn outside the geographical boundaries of the place of crime. In recent years, the analysis of crimes that offenders and crime populations of one of its branches has a great importance in the law and judicial institutions, and in order to provide a suitable response to any problem, it is necessary to have a thorough vision of the problem. In this research, there is a variety of factors that affect the occurrence of this crime with an emphasis on the cognitive offense for victims of rape and offenders. Research is descriptive-analytic. While using the texts and theories using internet research and library, through coding and systematic classification of the data studied, it is tried to explore the relationship between factors and the subject of research. In this study, rape files in the years 95 and 96 in the city of Shahrood, who were studied to the police of consciousness referred to in the demographic department. In this study, the current theories with statistical values derived from quantitative analysis of the files are also a transient look. The results show that the previous relationship between the victim and the rapist had a relationship with the occurrence of the crime and the role of family disintegration, inappropriate communication with peers, virtual networks, inappropriate cultural teachings, poverty, lack of appropriate sexual education and margin is important in the occurrence of these crimes.

Keywords: Criminological analysis, rape, Victim, delinquent.

¹*- department of information and awareness / amin university

Email: mohamad.hematijavanmard@iran.ir